

مهارت‌آموزی یا قاعده‌آموزی؟

بخش دوم و پایانی

اشاره

در شماره‌ی قبل، بخش نخست مقاله‌ای را خواندید که به جایگاه رسم الخط در آموزش و خوانی قرآن در دوره‌ی ابتدایی اختصاص داشت. در آن قسمت، مؤلف برای تبیین یکی از هدف‌های آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی (دانش آموز، قرآن را از رو می‌خواند و با برخی از سوره‌ها آشنایی دارد و آن‌ها را از حفظ می‌خواند)، دو اشکال را در آموزش و خوانی قرآن مطرح کرد: **اشکال اول:** آموزش بر خواندن معلم استوار است و قرآن‌آموزان آیات درس را با معلم یا نوار قرائت هم‌خوانی می‌کنند، **اشکال دوم:** کلاس درس آموزش و خوانی قرآن، به جای مهارت‌آموزی، بر قاعده‌محوری مبتنی است. در این بخش که قسمت دوم و پایانی مقاله است، مؤلف این دو اشکال را بررسی می‌کند.

اما این دو اشکال از کجا نشئت می‌گیرد؟

این دو اشکال اساسی که در اغلب روش‌ها و کتاب‌های آموزش و خوانی قرآن وجود دارد، از تعدد رسم الخط‌های رایج در کشور ناشی شده است. رسم الخط‌های رایج از نظر اعراب‌گذاری (ضبط المصحف) دارای اعراب زائد؛ یعنی علائمی که صرفاً برای خوش‌نویسی و زیبایی خط مصحف شریف نوشته می‌شوند و بیش‌تر جنبه‌ی سلیقه‌ای دارند، فراوان است. بودن این علائم، نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی در قرائت می‌شود.

برای مثال، قرآن آموز این علائم را در کلمه‌ی «تَوْحِيهَا» می‌خواند، اما به دلیل نداشتن اطلاع کافی از علت وجود این علائم، پیوسته دچار غلط‌های متعدد می‌شود و از آن‌جا که هرگز اجازه‌ی طرح این فکر را که امکان اشکال در نوشتار قرآن هست، به ذهن

خود راه نمی‌دهد (به دلیل قداستی که برای قرآن کریم قائل است)، بنابراین خود را مقصر و ناتوان می‌داند. این طرز فکر، رفته‌رفته در اثر تکرارهای بعدی قوت می‌گیرد و به قطع ارتباط فرد با خواندن مداوم قرآن کریم می‌انجامد.

انواع رسم الخط مصاحف رایج در ایران

در بلاد اسلامی و هم‌چنین کشور ایران که مهد هنرهای فاخر و زیبایی هم‌چون خوش‌نویسی است، بسیاری از خوش‌نویسان از روی ارادت به قرآن کریم و یا به سفارش بزرگان و سلاطین زمان خود، اقدام به کتابت مصحف شریف کرده‌اند. برخی از این رسم الخط‌ها عبارت‌اند از:

کتابت به خط عثمان طه (به رسم الخط عربی)، کتابت به رسم الخط فارسی و رسم الخط پاکستانی.
در کتابت‌های فوق، به دلیل غلبه داشتن

فنون خوش‌نویسی، ترکیب‌های بسیار، علائم جابه‌جا و علائم زائیدی وجود دارند و در شیوه‌های نوشتن این قرآن‌ها، حرکات و علائم در محل اصلی خود قرار نگرفته‌اند و از نظر آموزشی، به کلمه‌آرایی، سطرآرایی و صفحه‌آرایی توجه نشده است.

علاوه بر این موارد، شیوه‌ی قرآن کم‌علامت را هم داریم که در مرکز طبع و نشر

قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است و در کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و برخی مراکز دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه، علائم زائد و سلیقه‌ای را حذف و کتابت قرآن را به شیوه‌ی «نگارش فارسی» (کم کردن علائم) نزدیک کرده‌اند. همین کار باعث شده است تا در روش آموزش، تحولات قابل توجهی اتفاق بیفتد، از آن جمله است:

- کاهش غلط‌های اعرابی و در نتیجه احساس موفقیت فرد هنگام خواندن قرآن
- افزایش انگیزه، علاقه‌مندی و انس مستمر فرد با تلاوت قرآن کریم

تنها در این شیوه از کتابت است که معلم می‌تواند به قرآن آموز بگوید: «بین و بخوان». زیرا در سایر رسم‌الخطها، دانش‌آموزان غالباً کلمات و حتی عبارات را غلط می‌خوانند، مگر آن که معلم به یکی از دو شکل زیر عمل کند تا دانش‌آموزان درست بخوانند؛ یعنی:

اولاً) خودش بخواند و از شاگردان بخواهد تکرار کنند؛

ثانیاً) چون نمی‌تواند همه‌ی قرآن کریم را با شاگردان کلاس هم‌خوانی کند، مجبور شود هر یک از قواعد و نمادهای قرآنی را در ابتدای هر کلاس درس بدهد (قاعده محوری).

به این مثال‌ها توجه کنید و کلمات را همان‌گونه که نوشته شده‌اند، بخوانید:

رسم‌الخط عثمان طه رسم‌الخط کم‌علامت

- | | |
|------------------|---------------|
| ۱. خَالِدُونَ | خَالِدُونَ |
| ۲. يُوسُف | يُوسُف |
| ۳. نُوحِيهَا | نُوحِيهَا |
| ۴. إِلَّا | إِلَّا |
| ۵. مَا أَصَابَكَ | مَا أَصَابَكَ |

آسیب‌شناسی روش‌های موجود آموزش روخوانی قرآن

- در این روش، مهارت درست دیدن جای خود را به روش شنیداری می‌دهد و در نتیجه فرد همواره در خواندن قرآن توسط چشم با مشکل اساسی روبه‌رو می‌شود.
- آموزش، یک‌سویه و معلم‌محور است. در این شرایط قرآن‌آموزان غالباً منفعل عمل می‌کنند.
- بیش‌تر وقت کلاس به جای مهارت‌آموزی، صرف قاعده‌آموزی می‌شود.
- این روش فقط به یادگیری متن مورد نظر، آن هم به صورت کلی‌خوانی منجر می‌شود و در نتیجه به تعمیم در خواندن سایر سوره‌ها و آیات نمی‌انجامد.

۵. تجربه نشان داده است، آموزش قواعد به این شیوه، به علت انتزاعی بودن مطالب، تأثیر چندانی مثبتی در یادگیری کامل قواعد ندارد و تنها به حفظ کردن تعریف‌ها و قواعد می‌انجامد؛ در نتیجه، تنها مقدار کمی از قاعده آموخته می‌شود. در صورتی که اصل آموزش و یادگیری به صورت عملی و در حین مهارت‌آموزی به فراگیرنده انتقال داده می‌شود.

پاسخ به یک سؤال

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که «با وجود این همه دلایل

روشن علمی، چرا رسم‌الخطها و متعاقب آن روش‌ها و کتاب‌های آموزشی، به نحوه‌ی مطلوب اصلاح نمی‌شوند؟»

در پاسخ این سؤال باید گفت، دو دیدگاه همیشه در آموزش قرآن وجود داشته است:

دیدگاه اول: معتقد است آموزش باید همواره از ساده به مشکل (از معلوم به مجهول) صورت پذیرد (توجه به مبداء؛ این دیدگاه موافق تغییر و اصلاح رسم‌الخط قرآن، روش‌های تدریس و کتاب‌های آموزشی است.

دیدگاه دوم: معتقد است که آموزش‌ها باید به توانایی خواندن قرآن‌های رایج بینجامد، زیرا این رسم‌الخطها در همه‌ی مساجد، منازل و جلسات قرآن وجود ندارد (توجه به مقصد). در پاسخ طرفداران دیدگاه دوم باید گفت، این نگرانی قابل توجه و از مسائلی است که نمی‌توان از کنار آن به‌راحتی عبور کرد. اما این دغدغه کاملاً قابل حل و فقط نیازمند نوعی برنامه‌ریزی آموزشی مناسب است. برای رفع این نقیصه باید به دو نکته توجه کرد:

اولاً) اگر آموزش روخوانی از مراحل اولیه درست انجام شود، از نظر روان‌شناسی یادگیری، وقتی قرآن‌آموزان به‌تدریج از «جزئی‌خوانی» به «کلی‌خوانی» می‌رسند، کلمه یا عبارت را به همان شکلی می‌خوانند که در مراحل قبلی آموخته‌اند؛ هر چند دارای اشکال باشند.

برای مثال، خواننده به محض دیدن کلمه‌ی «قل» آن را «قُل» می‌خواند، اما این کلمه می‌تواند «قُل» نیز باشد. ولی شما بلافاصله با دیدن کلمه «قل» بدون توجه به اعراب کلمه، آنرا «قُل» می‌خوانید. یا این که در کلمه‌ی خَالِدُونَ همه آن را خَالِدُونَ می‌خوانند. در تمامی کلمات قرآن هم چون یُوسُف،



سلیقه‌ای

وزینتی و مزاحم.

هم‌چنین توجه به کلمه‌آرایی، سطرآرایی و صفحه‌آرایی در نگارش مصاحف شریف

۳. پرهیز از استفاده از شیوه‌های نامناسب آموزش روخوانی قرآن کریم که در این مقاله به تفصیل نقد و بررسی شد.

۴. توجه به هدف بسیار مهم «انس با قرآن کریم»، هم در جریان آموزش و هم به‌عنوان نتیجه‌ی یادگیری و بهره‌گیری از روش‌های مناسب که در نهایت به «قرآن‌خوان» شدن مستمر و مادام‌العمر فرد در مسیر زندگی شود.

سخن آخر

۱. مناسب است متولیان محترم فعالیت‌های قرآنی کشور، به وضعیت موجود رسم‌الخط‌های متعدد سر و سامان دهند. برای کشور عزیزمان زینده نیست که پس از گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز یک رسم‌الخط استاندارد و واحد برای قرآن نداشته باشد. در حالی که بسیاری از کشورهای اسلامی، از سال‌ها قبل برای خود رسم‌الخط واحدی دارند.

۲. در نظر گرفتن کرسی‌های روش‌شناسی (متدولوژی) آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی در کشور، با هدف نقد و بررسی وضعیت موجود و اتخاذ تدابیر لازم و اصلاح الگوهای آموزش قرآن جهت رسیدن به وضعیت مطلوب، بسیار ضروری است.

پی‌نوشت

۱. جلسه‌ی ۶۴۷ شورای آموزش و پرورش، مصوبه‌ی ۷۹/۳/۱۶، اهداف اعتقادی دوره‌ی ابتدایی، بند هفتم.
۲. جلسه‌ی ۶۷۷ شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه‌ی ۹۰/۱/۸ - ۱۲۰ - ۸۱/۷۷، بند یازدهم از اصول حاکم.
۳. همکاران علاقه‌مند می‌توانند مقاله‌ی «اصلاح الگوهای آموزش قرآن» را از نشریه‌ی «نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش»، شماره‌ی ۳۹۵، ص ۸، مطالعه کنند.

جدی روبه‌رو هستند.

یادمان باشد، از آن‌جا که همه‌ی ما به شکل و خواندن حروف آشنا هستیم، باید بیش‌تر توجه و حواس خود را به دیدن علائم حروف معطوف داریم؛ مانند راننده‌ای که هنگام رانندگی، به ترمز، گاز، کلاچ و دست‌دنده و فرمان اتومبیل نگاه نمی‌کند، بلکه همواره به علائم و تابلوهای مسیر توجه دارد.

نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث برای بهبود شیوه‌های آموزش گرفت، این است که: «توجه به دیدن علائم حروف به جای دیدن حروف، کلید حل بسیاری از مشکلات روخوانی قرآن کریم است.»

چند پیشنهاد

۱. توجه به اتخاذ عزم جدی برای ایجاد وحدت رویه در تهیه و ارائه‌ی رسم‌الخطی واحد که ساده‌ترین و نزدیک‌ترین رسم‌الخط به خط فارسی باشد و به تبع آن، ارائه‌ی «قرآن ملی» در کشور برای آحاد مردم، متناسب با «سواد قرآنی» آنان، با رعایت مسائلی مانند: الف) قانون‌مندی خط، یعنی دارای ویژگی‌هایی با بیش‌ترین تعمیم و کمترین استثنا

ب) اکتفا به علائم ملفوظ و ضروری و استفاده نکردن از علائم زائد

ج) استفاده از رسم‌الاملا‌ی عربی در موارد اختلاف با رسم‌المصحف

د) عدم ترکیب و تداخل حروف (ه) قرار داشتن حرکات و علائم در جای مناسب و عدم جابه‌جایی آن‌ها

و) استفاده از ساده‌ترین و گویاترین شکل علائم ضروری مانند تنوین و اشباع، در مواردی که این علائم به صورت‌های متفاوتی نوشته می‌شوند.

۲. اصلاح رسم‌الخط‌های موجود با تخفیف در مسائل خوش‌نویسی و حذف علائم

نوجیه‌ها و اِلّا این موضوع اتفاق می‌افتد.

ثانیاً) در مراحل بعدی می‌توان در مدت یک یا دو جلسه‌ی کوتاه، غالباً قواعد هر یک از کتابت‌ها و رسم‌الخط‌های موجود را آموزش داد. مقایسه‌ی رسم‌الخط‌های رایج، در کتاب درسی آموزش قرآن پایه‌ی سوم راهنمایی صورت گرفته است.

یک نکته‌ی جالب

همان‌طور که می‌دانیم، حروف فارسی و عربی از نظر شکل با هم مشترک هستند (به غیر از چهار حرف گ، چ، پ، ژ). هم‌چنین، بسیاری از واژگان از نظر لفظ و معنا در دو زبان مشترک‌اند. هر چند این مشترکات می‌تواند و باید فرصت و امکانی با ارزش محسوب شود، در عین حال آسیب‌هایی هم می‌تواند داشته باشد. به این مثال خوب توجه کنید:

این جمله را بخوانید: «آن چه که می‌توانید، قرآن بخوانید». شما در خواندن این جمله، به چه چیزی توجه داشتید و چه را خواندید؟ بله، شما به «حروف» فارسی توجه کردید. این عادت همیشگی ماست که همواره در خواندن، به حروف توجه می‌کنیم. اما سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است: «آیا در خواندن آیات شریفه‌ی قرآن کریم هم باید به حروف توجه کرد؟» پاسخ این سؤال «خیر» است. زیرا اگر شما در خواندن آیات و عبارات قرآن، به حروف توجه کنید، مطمئناً دچار اشکالات متعددی می‌شوید. و عموماً اشکال رایج افراد در خواندن قرآن، از بی‌توجهی به همین موضوع ناشی می‌شود. یعنی باید بیاموزیم که در خواندن قرآن، برخلاف خواندن فارسی، توجه بصری (چشمی) ما حتماً به «علائم» باشد و نه حروف؛ زیرا عموماً افراد در شناخت حروف فارسی و عربی مشکل خاصی ندارند، اما در شناخت علائم قرآن (اعراب) با مشکل